

آیا وضعیت‌های مختلف هویتی می‌توانند آسیب‌شناسی روانی را در نوجوانان ایرانی تبیین کنند؟

مرضیه نوروزپور^{۱*}؛ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان، انستیتو روان‌پزشکی

تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران

دکتر بنفشه غرایبی؛ استادیار گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان، انستیتو روان‌پزشکی تهران،

مرکز تحقیقات بهداشت روان دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران

دکتر مجتبی حبیبی؛ استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

دکتر احمد عاشوری؛ استادیار گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان، انستیتو روان‌پزشکی

تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران

نسیم موسوی؛ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان، انستیتو روان‌پزشکی تهران،

دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران

مقدمه: نوجوانی دوره گذار از کودکی به بزرگسالی است و در آن تغییراتی چشمگیر و با سرعت زیاد در توانایی‌های جسمی، ذهنی، هیجانی و اجتماعی نوجوان رخ می‌دهد؛ بنابراین دور از ذهن نیست که این تغییرات و استرس‌هایی که نوجوان در این سنین تجربه می‌کند، موانعی را بر سر راه نوجوان برای انسجام بخشیدن به راه‌کارهای مقابله‌ای مؤثر و سازگار ایجاد کند. همچنین تغییرات گسترده‌ای در ابعاد مختلف ویژگی‌های شخصیتی نوجوان به وجود می‌آید که می‌تواند علاوه بر شکست در دستیابی به رشد سالم، زمینه‌ساز انواع آسیب‌شناسی روانی در نوجوانان شود. اریکسون در باب تفسیر و شناخت مسائل مربوط به این دوره، از عنوان «هویت‌یابی» نام برده است. وی بیان می‌دارد که هویت عبارت است از احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود. اولین بار که نوجوان به صورت فعالانه شروع به کاوش در پیرامون خود می‌کند، خودش را در میانه «بحران هویت» می‌یابد. اریکسون بحران هویت را نه به‌عنوان یک فاجعه قریب‌الوقوع، بلکه به‌عنوان یک نقطه عطف تعریف می‌کند و این تجربیات را از آسیب‌شناسی روانی افتراق می‌دهد. از سوی دیگر، اریکسون تأکید می‌کند که ناتوانی برای کنار آمدن با این بحران نابهنجار بوده و جوان را در مرحله «سردرگمی نقش» فرو می‌برد. این سردرگمی زمینه‌ساز انواع اختلالات رفتاری مانند فرار از منزل، بزهکاری و یا حتی روان‌پریشی آشکار می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که بسیاری از اختلالات نوجوانان ریشه در سردرگمی هویت دارد که به تبع آن باعث سردرگمی نقش می‌شود. برخی نظریه‌پردازان نظیر استانلی هال (۱۹۰۴)، آنا فروید (۱۹۵۸) و اریکسون (۱۹۵۶)، بیان می‌دارند که ویژگی‌های مختص دوره نوجوانی بهنجار و طبیعی بوده و چنانچه نوجوانان این خصوصیات از قبیل نوسانات خلقی و رفتاری، مخالفت با منابع قدرت و میل به استقلال، کنجکاوی برای امتحان کردن گزینه‌های متعدد که همگی بخشی از فرایند هویت‌یابی نوجوانی می‌باشد را بروز ندهند نابهنجار تلقی می‌شوند. با این حال شاهد آن هستیم که این

خصوصیات در ارزیابی نوجوانان مسئله‌ساز شده است، از جمله، در پاسخگویی نوجوانان به «پرسشنامه چندمحوری شخصیتی مینه‌سوتا» (MMPI) باعث برافراشتگی خرده مقیاس‌هایی نظیر اسکیزوفرنیا، پارانویا و انحراف روانی اجتماعی شده است؛ اما این خصوصیات پاتولوژیک نبوده و بهنجار تلقی می‌شوند. به دلیل این مشکل و تعدادی دیگر از مشکلات بود که «پرسشنامه چندمحوری شخصیتی مینه‌سوتا-نوجوان» (MMPI-A) تدوین شد. طبق ادعای آرچر، با تدوین (MMPI-A) ابزار تشخیصی در اختیار متخصصان قرار گرفته است که می‌تواند با لحاظ کردن مسائل مربوط به این دوران، آسیب‌شناسی روانی را در نوجوانان شناسایی کند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی نیمرخ شخصیتی نوجوانان در وضعیت‌های هویتی مختلف، «با استفاده از پرسشنامه چندوجهی شخصیتی مینه‌سوتا-نوجوانان» (MMPI-A) و نیز پاسخ به این سؤال است که آیا بین این نیمرخ‌ها در وضعیت‌های مختلف هویتی تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش: بدین منظور تعداد ۵۰۶ نوجوان (۲۷۳ پسر و ۲۳۳ دختر) که در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال بودند، به MMPI-A و پرسشنامه فرایند هویت ایگو پاسخ دادند... برای انتخاب نمونه ملاک ورود عبارت بود از: سن بین ۱۵ تا ۱۸ سال و ملاک‌های خروج عبارت بودند از: ۱- داشتن هرگونه سابقه مردودی در یکی از مقاطع تحصیلی، ۲- عدم امضای رضایت‌نامه اخلاقی، ۳- بالاتر بودن هر یک از نمرات مقیاس‌های اعتباری MMPI-A از حد بهنجار ($T > 65$). بعد از اخذ مجوز از کمیته اخلاق دانشگاه و هماهنگی لازم برای اخذ مجوز از کمیته پژوهش اداره آموزش و پرورش و پر شدن فرم رضایت آگاهانه توسط شرکت‌کنندگان، ابزار پژوهش به صورت گروهی در کلاس اجرا شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS-17 و به روش تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که نیمرخ شخصیتی نوجوانان در وضعیت‌های هویتی ضبط، وقفه و پراکندگی هویت در محدوده بهنجار است. همچنین، نمرات نوجوانانی که در هر یک از این وضعیت‌های قرار داشتند با یکدیگر تفاوت معناداری نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق حاضر، در راستای دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی مانند اریکسون و مارسیا قرار دارد که شکل‌گیری هویت را یکی از وظایف اساسی نوجوان برشمرده و بیان می‌کنند که جدال نوجوان در بیان تعریفی از «خود» و بررسی گزینه‌های متعدد برای حوزه‌های مختلف (مانند، انتخاب رشته تحصیلی، شغل، شبکه دوستان و...) همگی بخشی از بحرانی است که نوجوان در طول این مرحله تجربه می‌کند و باید این تجارب را از آسیب‌شناسی روانی افتراق داد. پژوهش حاضر نیز نشان داد که نیمرخ شخصیتی نوجوانان در سه وضعیت هویتی ضبط، وقفه و پراکندگی هویت بهنجار است و تدوین‌کنندگان MMPI-A توانسته‌اند با نگاه به مسائل و بحران‌های مربوط به این دوره آزمونی را ارائه دهند که نوجوانانی که واقعاً دچار آسیب‌شناسی روانی هستند را از نوجوانان بهنجار تمییز دهد. باین‌وجود باید به این نکته نیز توجه داشت که همان‌طور که اریکسون مطرح می‌کند، ناتوانی برای کنار آمدن با این بحران نابهنجار تلقی می‌شود، زیرا در این وضعیت فرد هنوز برای سؤالات خود پاسخ مناسبی پیدا نکرده است و نمی‌داند کیست و در این دنیا چه نقشی دارد. این سردرگمی خود را به صورت انواع اختلالات رفتاری، مانند فرار از منزل، بزهکاری، یا حتی

روان‌پریشی آشکار نشان می‌دهد (غرابی و همکاران، ۲۰۰۵). در نتیجه با شناسایی مشکلات مربوط به هریک از وضعیت‌های هویتی و اثراتی که بر زندگی فردی، خانوادگی، تحصیلی و در نگاه وسیع‌تر، بر جامعه دارند، اقدام برای یک مداخله مناسب و آموزش به نوجوانان جهت گذر از آشفتگی هویت و کسب یک هویت منسجم، ضروری به نظر می‌رسد. این کار باعث کاهش خسارت‌های مالی و معنوی نوجوان، خانواده و جامعه می‌گردد.

واژه های کلیدی: آسیب‌شناسی روانی، نوجوان، نیمرخ شخصیتی، وضعیت‌های هویتی.